



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 92

سری سوم، شماره 92

march 2021

شماره 1399

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



RahaiZan

مطالب

بیاتیه سازمان رهایی زن به مناسبت 8 مارس

مطالبات 8 مارس محور اصلی جنبش رهایی زن  
مصاحبه تلویزیونی رهایی زن با شراره رضایی

زنان چگونه تحت ستم قرار می‌گیرند؟  
کسرا تبریزی

هشت مارس و یادی از یک دوران و نقش یک زن  
کمونیسست و سازمانده  
نظیره معماری

مطالبات جنبش زنان  
ندای زنان

نقاشی " دختران خیابان انقلاب"  
کاری از: مریم رمضان‌گیوی

به مناسبت 8 مارس  
فریبا رشیدی

اطلاعیه برگزاری آکسیون به مناسبت 8 مارس در شهر اشتوتگارت آلمان

و با اعدامی دیگر  
سحر بابا سلجی

گرایش جنسی چیست؟  
شیمیا مقدم

کودکان کار پرنسس‌های یک روزه نیستند

صفحه ی خبری

- رد درخواست اعاده دادرسی آتنا دانمی در دیوان عالی کشور
- رئیس پژوهشکده زن و خانواده: اگر زن اقتدار مرد را بپذیرد خشونت علیه زنان پیش نمی‌آید. و جوابی کوتاه به این اراجیف شراره رضایی

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه

RahaiZan.Org  
سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

Long Live  
8th March  
International Women's Day!

زنده باد  
آزادی  
و  
برابری

رهایی زن معیار رهایی جامعه!

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.  
Markazi@RahaiZan.org

بیانیه سازمان رهائی زن به مناسبت 8 مارس

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن



ما در شرایطی به استقبال روز جهانی زن میرویم که جبهه جدیدی از مبارزه بر روی زنان باز شده است. جبهه مبارزه با ویروس کرونا و ناکارآمدی نظام حاکم، مبارزه برای بقای فیزیکی که همزمان با مبارزه برای حقوق برابر به پیش می‌رود. در این مبارزه مردان و زنان آزادیخواه و برابری طلب دوشادوش یکدیگر کمر به شکست ویروس کرونا و نظام سراپا تبعیض و بردگی حاکم بسته اند.

از همان ابتدا که با تظاهرات وسیع زنان در اولین هشت مارس، جنبش رهائی زن در ایران اسلام زده کلید خورد. ارتجاع اسلامی اوباش و تحصیلکرده هایش را بسیج کرد تا این جنبش را در خیابان و در اندیشه سرکوب کند. سعی کردند با روز فاطمه زهرا و زینب

این روز و آرمانهایش را بفراموشی بسپارند. غافل از آنکه جنبشی که با عزم جزم زنان سوسیالیست در سال 1910 در کپنهاک کلید خورد با صغرا و کبرا به خانه نمی‌رود بلکه در هر شکل ممکن به حیات خود ادامه میدهد و با انتقال تجربیات و سنت مبارزاتی خود به نسلهای بعدی مبارزه برای تحقق آزادی و برابری را بسر انجام میرساند.

توده های تحت ستم و استثمار در خیزش دیماه 96 و آبان 98 در فراندی مردم خیز رای خود را به خاکسپاری این نظام گنبدیده و متعفن داده اند. مشارکت گسترده زنان در این مصاف نشان از پایان تحمل کردن نظام و قوانین زن ستیز و ضد انسانی حاکمیت اسلام میباشد.

واقعیت امروزی حکایت از برهم خوردن توازن قوای اجتماعی دارد. دو بال اصلاح طلب و محافظه کار خفاش حاکم در دیماه شکسته شد و دیگر قابل ترمیم نیست. نمایش آخرین رای گیری نظام با عدم حضور اکثریت قاطع مردم به شکست کشیده شد. تحت حاکمیت ویروس اسلام سیاسی، ویروس کرونا نیز زندگی و سلامت مردم را بخطر انداخته است، مردم با ید خود با این هر دو ویروس کشنده مبارزه کنند. جنبش میلیونی رهائی زن در همبستگی با جنبش دانشجویی و جنبش کارگری و دیگر اقشار تحت ستم همچون پرستاران و معلمان فریاد میزند به کمتر از آزادی و برابری و یک زندگی شایسته انسان امروز رضایت نمیدهیم.

**رهائی زن معیار رهائی جامعه!**

**حاکمیت اسلام زن ستیز را بتاریخ بسپاریم!**

**زنده باد آزادی و برابری**

**سازمان رهائی زن**



**مطالبات 8 مارس محور اصلی جنبش رهایی زن**

**مصاحبه تلویزیونی رهایی زن با شراره رضایی**



توحش را از رسانه ها و مدیای و مراکز جهل و خرافه شان تولید و باز تولید می کنند و به خورد جامعه می دهند. در چنین دنیای، زنان چه در محیط خانه چه در محیط کار و چه در محیط اجتماعی از کودکان تا دبستان و مدرسه و دانشگاه حقوقشان لگدمال می شود و به فرومایه ترین شکل با آنها برخورد میشود.

گفتم که این مختص کشورهای اسلام زده نیست، و در پاسخ به سوال شما که، دختر بچه از چه زمانی متوجه این تبعیض میشود؟ بطور واقعی از جاییکه تبعیض و نابرابری و خط و خطوط دادن به اینکه، مقام و جایگاه یک زن کجاست باید جستجو کرد. مثلا در کشورهای با نظام سرمایه داری مدرن، دنیایی را که بعنوان معیار یا همان چیزی که خودتان گفتید بعنوان نُرم جامعه میخوانند به مردم بقبولانند. دنیایی که در آن کودکان رو به دو رنگ اصلی تفکیک کرده اند رنگ صورتی برای دختران و رنگ آبی برای پسران اسباب بازی هایشان را طوری طراحی می کنند و به جامعه نوع انتخاب آنها را القاء می کنند که 95 درصد از اسباب بازی های دختران جوری طراحی شده که در آن تنها آموزش، خانه داری، بچه داری، وسایل آشپزی را به دختر بچه ها آموزش می دهند و در عوض برای پسر بچه ها 90 درصد آشنایی با تولید و تکنولوژی، ماشین، ابزارالات، کامپیوتر هست و بخش بیشتری از این اسباب بازی ها ذهن و توانایی و خلاقیت را در کودکان پسر شکوفا می کند. این فقط یک مثال ساده برای دیدن سیستماتیک بودن تبعیض در دنیای کودکان هست که هدایت می شود و در ذهن کودک کل جامعه حک می شود.

اما تعرض به دختران اشکال وحشتناک تر و هولناکتری هم دارد که خارج از دنیای شیرین اسباب بازی ها در حال رقم خوردن است. مثلا در کشورهای اسلام زده تعرض و تحقیر جنس زن جنبه قانونی، شرعی و سنتی دارد. یعنی تمامی نیروهای موجود در دنیای آنها در شکلی عیان و وقیحانه کمر به تعرض علنی و قانونی بستند که در ظرفیت یک مصاحبه ی تلویزیونی و این زمان کوتاه که ما داریم نمی گنجد و نیاز به سمینارها دارد تا ابعاد این تعرض ها را بتوان تشریح داد. فقط برای مثال ختنه دختر بچه ها را در نظر بگیرید. دختر بچه هایی که بنا بر سنت در بعضی کشورهای آفریقایی مثل اریتره، سومالی، اندونزی، مصر یا اتیوپی، هندوستان و ایران "در بعضی از روستاهای کردستان و استان سیستان و بلوچستان" هنوز هم شاهد هستیم و این کودکان مورد تعرض و مثله شدن اندام

شراره رضایی: به نظرم در تمام جوامع و البته بخصوص در کشورهای اسلامزده خشونت علیه زنان حتی قبل از تولد و قبل از اینکه دختری چشم به این جهان باز کند، در موردش اعمال می شود. مثلا در برخی از این کشورها که ارتجاع با اوج وقاحت در مسند قدرت قرار دارد، وقتی مرد خانواده متوجه می شود که زنش یک دختر باردار است. زنش را زیر مشت و لگد میگیرد یعنی هم مادر و هم جنین دختر در شکم مادر را آنقدر مورد ضرب و شتم قرار می گیرد که یا جنین سقط می شود و بعضا منجر به مرگ مادر و جنین می شود. ماه پیش بود که یک زن در افغانستان دقیقا به همین طریق تا حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.

در تمام جوامع با سیستم سرمایه داری امروز، طبقه سرمایه دار و حاکمیت به عنوان ماشین دفاع از آنها، از قبیل اعمال تبعیض و نابرابری، سرمایه و سود به جیب میزنند. در کشور های اروپایی و آمریکایی هنوز هم مزد برابر در قبال کار برابر یا امکان شغلی برابر برای زنان وجود ندارد. حال مسأله نابرابری و تبعیض را به اضافه ارتجاع و خفقان و عقب ماندگی در برخی کشورها کنید، کشورهای مثل ایران و افغانستان و سومالی و غیره و ذالک که حکومت هائی با ریشه عمیق مذهبی و ارتجاعی و ناسیونالیستی دارند. در تمام دنیا خشونت و تعرض به شان و جایگاه زن وجود دارد. اما در این کشورها به طور اخص تعرض و آزار جنسی و خشونت علیه زن، به شکلی کاملا آگاهانه و هدفمند و عریان و عیان در جریان هست و می خواهند به شکلی سیستماتیک آن را به نورم بسیار محق و طبیعی جلوه دهند و هر روزه این

هشت مارس روز جهانی را گرامی داریم. حفظ و تداوم اهداف جنبش رهایی زن در صف مقدم هشت مارس روز جهانی زن که در 1910 در کپنهاک توسط زنان سوسیالیست در دفاع از حقوق زنان و در مقابل تبعیض جنسیتی در تاریخ ثبت شد، کماکان از اهمیت بالائی برخوردار است. بخصوص در ایران و افغانستان اسلام زده که حقوق زنان در گسترده ترین شکل آن نقض میشود، مشعل این مبارزه از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود. در برنامه امشب شراره رضایی فعال حقوق زنان و کودکان و مدیر مسئول ماهنامه رهایی زن را به برنامه دعوت کردیم تا مروری بر مبارزات زنان در چهار دهه اخیر داشته باشیم و نسل جدید فعالین حقوق زنان را در بازشناسی اهداف و مطالبات این جنبش یاری رسانیم.

**مینو همتی: شراره رضایی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.**

**شراره رضایی: منم سلام دارم خدمت شما و بینندگان عزیز تلویزیون رهایی زن.**

**مینو همتی: مبارزه برای آزادی و برابری عکس العمل طبیعی هر انسانی است که مورد تبعیض و نابرابری قرار گرفته است. در این میان وضعیت در کشورهای اسلامزده بقدری خشن است که زنان از بدو تولد چشم به جهانی میگشایند که تبعیض علیه شان نهادینه شده و بقولی به نرم جامعه تبدیل شده. شما از فعالین حقوق کودکان و زنان در تهران بودید، از چه زمانی و به چه میزانی دختر بچه ها متوجه میشدند که مورد تبعیض واقع میشوند و عوارض ناشی از این آگاهی را چگونه میشد مشاهده کرد؟**

یا ناقص العوضو شدن قرار می گیرند. این دیگر اسمش خشونت نیست، یک جنایت است که علیه دختر بچه ها صورت میگیرد و خارج از عذاب و درد این عمل وحشتناک و که حتی بعضا منجر به مرگ این کودکان می شود آنها برای تمام عمرشان به لحاظ جنسی ناقص العوضو می شوند و در آینده هم از لذت های جنسی کاملا محروم می شوند.

یا جنبه دیگری از تبعیض که دختر بچه ها در ایران با آن روبرو می شوند اینکه که بنا بر قوانینی که بر اساس شریعت و اسلام بنا شده، در سن 9 سالگی برای کودکان، در مدارس جشن تحفیر آمیز " جشن تکلیف " برگزار می شود. این مراسم به آن معنی است که دختر بچه ها را از آن سن به بعد یک انسان بالغ محسوب می شود و پدر و یا اجداد پدری حق دارند که کودک را در سن 9 سالگی مجبور به ازدواج کنند و حکومت اسلامی، به پدیده کودک همسری قانونیت و مشروعیت می بخشند. این همان پدیده ای است که در دنیای مدرن و انسانی، ازدواج با کودک تنها اسمی که این عمل دارد "پدوفیلی" هست و کسی که اینکار را در کشورهای متمدن انجام بدهد باید تحت درمان روان پزشکی قرار بگیرد و جرم بسیار سنگینی دارد.

و حتما عوارضش برای همه قابل تصور هست. دختران خردسالی که دنیای کودکی شان در 9 سالگی ویران می شود و باید بجای بازی های کودکانه و درس، نقش یک همسر و نقش یک مادر را بازی کنند.

تبعات آن: آمار بالای مرگ ومیر ناشی از زایمان ها در این سن، افسردگی های شدید بدلیل زایمان های زودهنگام، بالا رفتن آمار خودکشی و طلاق. خشونت های خانگی، خودسوزی، قتل های ناموسی و تبعات و خشونت هایی که تا آخرین لحظه ی زندگی یک فرد می تواند تمام زندگی یک زن را تباہ و نابود کند.

**مینو همتی:** از بدو تاسیس حکومت ضد مردمی و زن ستیز اسلامی، مبارزه زنان بخصوص از همان اولین هشت مارس، ارتجاع اسلامی و قوانین تبعیض آمیز آنرا به چالش کشیدند، البته این چالشها صرفا در تظاهرات خیابانی نمایان نمیشد بلکه به اشکال گوناگون در زندگی روزمره، در مدرسه و محیط کار ادامه داشت. مشاهدات خود شما بعنوان فعال حقوق زنان در این زمینه چگونه بود.

**شراره رضائی:** 8 مارس 1357 یک نقطه ی عطفی در تاریخ مبارزات و جنبش های زنان بود. تنها با گذشت دو هفته از به حاکمیت رسیدن حکومت اسلامی و یک روز قبل از 8

قطعه نامه های بسیار ارزشمندی از جانب نهاد ها و گروه ها و فعالین عرصه زنان مثل "ندای زنان" هستیم که فعالین آن، دائما از جانب حاکمیت مورد تعرض و زندان و تهدید قرار می گیرند.

**مینو همتی:** از زمانی که بخاطر میاورم رژیم اسلامی همچون نازهای آلمان سعی در مخدوش کردن روز جهانی زن و جایگزینی آن روزهای خود ساخته کرده اند. ما در عرض این چند دهه تلاش کردیم که تاریخ واقعی مبارزات زنان جهان که در هشت مارس ها بازگو میشود و از نسلی به نسل بعد منتقل میشود، زنده بماند و راهنمای مردان و زنان آزادیخواه و برابری طلب باشد. بنا بر مشاهدات شما در ایران فعالین جوان در راه مبارزه برای آزادی و برابری چه مرد و چه زن از چه مقطعی و از چه طریقی با هشت مارس، اهمیت و تاریخچه آن آشنا میشوند؟

**شراره رضائی:** یکی از حربه های دنیای بورژوازی و با حاکمیت اسلامی اینکه مطاببات این جنبش را مخدوش کند. تلاش می کند تا خواست برابری در عرصه اجتماعی و تولید و حرمت و جایگاه انسانی زنان را تقلیل بدهند و تاریخ را وارونه یا اونطور که دلشان می خواد جلوه بدهند. حکومت اسلامی سعی می کنند که از روز زن تعریف جدید به جامعه بدهد، که روز زن یعنی روز تشکر از مادر یا همسر و غیره ذالک و انواع اسامی دیگری مثلا تولد فاطمه ی زهرا که ساختن و امروز میبینیم و میشنویم. تلاش دارند که کل آن تاریخ مبارزاتی تا به امروز را با سطح بالای مطاببات مدرن و مترقی زنان، تقلیلش بدهند به یک روز با ماهیتی غیر واقعی که سختی به مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه زنان ندارد.

کابوس مبارزات زنان و رهائی زن از قید و بند قوانین ارتجاعی که این حکام از قبیلش نان می خورند و ادارشان کرده که به این حربه ها متوصل بشوند. اما واقعیت اینکه امروز و با ادامه سنت مبارزات برابری طلبانه زنان در تمام دنیا تمامی این حربه ها پوچ از آب درمی آید و خالقین این روزها و اسامی جدید به منظور تحریف مبارزه زنان، مثل کیکی هستند که سرشون رو میخوان زیر برف کنند و میخوانند واقعیت را جور دیگه ای ارائه بدهند یا بهتر بگویم خودشون را فریب بدهند.

اگر همین امروز نگاه کنیم به جوامع کشورهای اروپایی که یک استانداردها و قوانینی حاکم هست، میبینیم که آمار خشونت ادامه در صفحه 11

مارس، از دفتر خمینی، قانون "حمایت از خانواده" لغو شد و اعلام کرد که زنان کارمند برای حفظ آبرویشان باید حجاب اسلامی را رعایت کنند و در پی این احکام ارتجاعی خمینی، از ورود زنان بدون حجاب به محل کارشون جلوگیری شد. در پی اون، تعداد زیادی از زنان از رفتن به سرکار خودداری کردند و زنان کارمند وزارت امور خارجه در بیرون وزارتخانه، دست به تجمع زدند و علیه حجاب و حکومت استبدادی شعار دادند. در روز 8 مارس 1357 همانطور که عکس های تاریخی آن موجود هست. بین 5 تا 8000 زن در دانشگاه تهران و خیابان های شمالی منتهی به خیابان انقلاب تجمع کردند و به نوشته ی روزنامه ی کیهان در آن روز، روز دانش آموزان مدارس دخترانه هم به این تظاهرات پیوستند.

بعد از آن با شروع دوره سرکوب ها و اعدام های گسترده ی مخالفان توسط رژیم اسلامی روبرو بودیم، تعرض به حرمت کرامت زنان و تلاش برای تحقیر جایگاه اجتماعی زن از جانب حکومت اسلامی با زدن پونز به پیشانی زن ها تا چاقو زدن و تیغ کشیدن بر صورت و پیشانی زنان تا اسید پاشی آنها ادامه و اوج گرفت اگرچه دیگر تا سال 1385 هیچ 8 مارس به شکل فراخوان علنی گسترده برگزار نشد ولی مبارزات زنان هرگز نخوابید و هرگز زنان به قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی حاکمیت تن ندادند.

در 22 خرداد 1385 تظاهراتی در میدان هفت تیر تهران، در اعتراض به "تبعیض علیه زنان" صورت گرفت که یکی از فراخوان دهندگان آن "کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان ایران - تهران" که من افتخار دبیری این کانون را داشتم، همچنین کانون "جامعه ی حمایت از زنان سنندج" که دبیرا علیخانی دبیر این کانون و از مبارزان و فعالین عرصه زنان در ایران بود و همچنین بسیاری از گروه های مختلف زنان و دانشجویان از این تجمع حمایت کردند و بیش از 5000 نفر در این تجمع شرکت کردند که آمار سرکوب و دستگیری ها بسیار بالا بود. از آن تاریخ به بعد هر سال تجمع های 8 مارس در پارک لاله یا پارک دانشجو انجام می شد ولی به دلیل سرکوب و دستگیری ها بعضا حتی قبل از اینکه جمعی کامل شکل بگیرد از سوی نیروهای سرکوبگر به شرکت کننده ها حمله میشد و تجمع را پراکنده می کردند. به همین دلیل بعد از آن 8 مارس ها در سالن ها برگزار شد و تا به امروز هم شاهد برگزاری 8 مارس ها و کنفرانس ها و سخنرانی ها و

زنان چگونه تحت ستم قرار می گیرند؟

کسرا تبریزی



مسئله ی زنان و به خصوص ستم بر زنان، مسئله ای ساده و پیش پا افتاده یا سطحی و جزئی نیست، صحبت از یک ظلم در هم تنیده، چند جانبه، افسارگسیخته، طبقاتی، نژادی و جنسیتی ست. در واقع مسئله جوری نیست که بتوان آنرا به ظلم هایی که یک فرد به خصوص به فردی دیگر و یا به عبارتی دیگر تا حد فردیت تقلیل داد. در این نوشته قصد ندارم به ریشه های سرکوب زنان بپردازم تنها در پی پاسخ دادن به یک سوال عمیقاً اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، رفتاری، روانشناختی و به حد قابل توجهی اقتصادی هستم:

«زنان چگونه تحت ستم قرار می گیرند؟»

با یک مثال ساده شروع میکنیم، فرض کنید یک زن کارگر مجبور است برای کمک به بقای خانواده اش، نیروی کار خود را بفروشد، یعنی کار کند تا پولی دریافت کرده و در تامین اقتصادی خانواده به همسرش کمک کند. ( همه میدانیم که در سیستم خانواده ی تک همسرانه از نوع بورژوازی اش، مردان وظیفه ی تامین اقتصادی خانواده را عهده دار هستند و عموماً این درآمد به قدری زیاد است که معیارهای رفاهی تعریف شده برای طبقه ی بورژوا را حفظ کنند، پس زنان معمولاً در این نوع خانواده ها و در این طبقه مجبور به فروش نیروی کار نیستند و از لحاظ اقتصادی کاملاً وابسته به همسر خود هستند، زنانی که در این طبقات در پی کسب موقعیت شغلی هستند ممکن است در اکثر مواقع برای کسب درآمد نباشد صرفاً سرگرمی یا چیزهای مشابه، البته استثناهای بیشماری هم وجود دارد برای تمام موارد ذکر شده مثلاً زنی که در خانواده ی بورژوازی تامین کننده ی مالی باشد و یا زن و شوهر هر دو در این زمینه همکاری کنند، مقصود من کلیت یک سیستم

مدیران و... دست به رقابت های مرگباری میزنند. شاید به اشتباه این رقابت ها، زنانه ناشی از حسودی و تنگنظری تعبیر شوند اما اگر با دیدی وسیعتر به این مسئله دقیق شویم در خواهیم یافت که این تنها یک رقابت طبقاتی است، زنان سرمایه دار همچون مردان سرمایه دار به زنان و همچنین مردان طبقه ی کارگر ظلم میکنند، نیروی کار آنها را ارزان میخرند و کالای تولیدی آنها را میزدند و زندگی آنها را هر روزه بغرنج تر میکنند. زنان طبقه ی کارگر درست مثل مردان این طبقه بر سر تصاحب فرصت های شغلی، درمانی، بهداشتی و آموزشی، جنسی و... باهم رقابت میکنند و این نه به خاطر جنسیتشان بلکه به علت ماهیت طبقاتی شان است. علاوه بر ستم طبقاتی که سایه ی آن به صورت گاه فراجنسیتی و فرانژادی به روی طبقه س کارگر افکنده شده، زنان در خانواده به علت تعالیم مردسالارانه ای که قرنها به کمک آموزش، رسانه، دولت، شبکه های اجتماعی، قانون، مذهب و سنت و... مورد ظلم و ستم مضاعف قرار دارند، نکته ی دردناک این ماجرا برای خوشخیالان مثبت اندیش و اصلاح طلب این است که «خود زنان» در شکل گیری، تثبیت و اجرای این قوانین ضد انسانی نقش موثری ایفا کرده اند.

مادرانی که تعالیم زنستیزانه را از کودکی به دختران خود یاد میدهند، خواهشانی که از طغیان خواهران دیگر خود میهراسند و یا معلم مدرسه ای که به دختران خردسال آموزش میدهد که از مردان بترسند و از آنها حساب ببرند! بله، زنان پا به پای مردان برای هدفی طبقاتی قوانینی را طراحی کرده اند که زن را به موجودی وابسته ی اقتصادی چشم و گوش بسته و برده ای گوش به فرمان و ضعیف و احساساتی و همیشه مهربان، یعنی عروسکی کوکی مطیع، تبدیل کنند و در بسیاری از موارد موفق هم بوده اند اما

تغییر بنیادین جامعه ی کنونی علاوه بر وابستگی بلامنازعهش به تغییرات سیاسی و اقتصادی زیر و رو کننده نیازمند تغییری اساسی در زمینه ی اجتماعی و فرهنگی است و این امر یعنی رهایی طبقاتی و رهایی زنان از ستم مضاعف جامعه ی مردسالارانه، به همان میزان که نیاز به زنانی از خود گذشته، آگاه، شجاع و فعال دارد نیازمند چنین مردانی هم هست، یعنی مردانی که با درک مشخص از شرایط اجتماعی سیاسی و اقتصادی دولت ها و سیستم سرمایه داری و همچنین نظام خانوادگی دوره ی سرمایه داری، دوشادوش زنان برای این رهایی بزرگ فریاد بزنند.

زنده باد زنان، زنده باد پرولتاریا!

طبقاتی و مناسبات تولیدی و اجتماعی آن است. اما در خانواده تک همسرانه ی پرولتری این وضع کمی! متفاوت است، معمولاً زن ها مجبورند دوشادوش همسر برای تأمین حداقل معاش خانواده، سخت کار کنند. زن کارگر را فراموش نکنیم، سیستم و جامعه ی سرمایه داری چند وظیفه بر دوش او نهاده است:

۱) وظایفی که در قبال انجام آنها پول دریافت میکند (فروش نیروی کار)، آن هم توامان با رقابت سخت و جانفرسا با سایر هم طبقه ها و هم جنسان برای تصاحب موقعیت حداقلی شغلی که حقوقی کمتر از مردان کارگر در قبال ساعت کاری برابر برای آنها در پی خواهد داشت.

۲) وظیفه ی سرپرستی از فرزندان و مراقبت و حمایت شوهر (وظایف خانگی)، او موظف است هر ساعت از شبانه روز که از کار به خانه باز میگردد مثل یک ربات به انجام امور مرتبط با خانه مبادرت ورزد. هیچ اهمال کاری مورد پذیرش نیست! اهمیتی ندارد که او بیشتر از ۸ تا ۱۶ ساعت خارج از خانه در کارخانه های ریسندگی، پشت چرخ های خیاطی، در آشپزخانه های عمومی و یا در مراکز نگهداری از سالمندان کار کرده است، زمانی که شوهرش وارد خانه میشود نباید با صحنه ای به جز بچه ی شیر خورده ی آرام، کودکان بزرگتر خوابیده، خانه ی تمیز و مرتب و شام و چای آماده رو به رو شود. زن به صورت اخلاقی ( البته اخلاق طبقاتی بورژوازی) همچنان موظف به انجام امور خانه است حتی اگر خودش مدتها باشد که بیرون از خانه پا به پای مرد و شاید بیشتر از او نیروی کارش را به فروش رسانده است.

هدف چیزی نیست جز نشان دادن ستم چندگانه و چند وجهی بر زنان که از آن به تعبیر به ستم مضاعف میشود؛ در واقع زنان نه تنها در طبقات اجتماعی خاصی دسته بندی میشوند و زنان طبقات پایین تر توسط سرمایه داران چه زن و چه مرد مورد ستم طبقاتی قرار میگیرند بلکه در سیستم خانواده ی تک همسرانه ی دوره ی سرمایه داری، در یک نظام طبقاتی خردتر یعنی واحه ی اقتصادی خصوصی در نظام های سرمایه داری (خانواده به تعریف امروزه) نیز مورد ستم مضاعف و ظلم سازمان یافته قرار میگیرند. زنان در مسیر کسب فرصتهای شغلی بهتر، فرصت های جنسی و یا بقا به سان مردان در یک طبقه و یا با سایر طبقات یعنی کارمندان، کارفرمایان، سرپرستان و



هشت مارس و یادی از یک دوران و نقش یک زن کمونیست و سازمانده نظیره معماری



در میان شخصیت های تاثیر گذار، سازمانده و رهبر آزادیخواه و برابری طلب در جنبش زنان در ایران دهه هفتاد و هشتاد، دیبا علیخانی چهره ای برجسته است. در مبارزات و مخالفت ها با جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران و همه مصیبت هایش، جنبش های مختلف شخصیت های خود را دارند و به آنها متکی اند. دیبا علیخانی در سالهای فعالیت خود بعنوان یک کمونیست، زبان حال جنبش آزادیخواهی زنان بود. دیبا مانند هر مبارز انقلابی در بطن تحولات سیاسی و فعالیت کمونیستها در سندهج بزرگ شد اما فعالیت هایش به این شهر محدود نماند. اعتراض عمیق زنان به نظام و حاکمیت جمهوری اسلامی در همه زمینه های مربوط به زندگی، کار، مناسبات اجتماعی زمینه فعالیت گسترده تر برای دیبا بود. فعالیت در محافل چپ و کمونیستی در تهران و سندهج سطح فعالیت های دیبا علیخانی را به سازماندهی توده ای کشاند تا جایی که بیش از ده سال فعال و از سازمانده های اصلی مبارزات زنان در این سطح بود. سنت های مبارزاتی کمونیستها در سندهج و سازمان کمونیستی آنها در این دوره به پایه و اساسی برای این دوران درخشان است. در این دوره است که شخصیت های بسیاری به ویژه در میان زنان و همراه با دیبا علیخانی "جامعه حمایت از زنان" را تشکیل میدهند و با فعالیت های متنوع به تکیه گاه مهم در این مبارزات تبدیل میشود. هشت مارس و گرامیداشت مبارزات قهرمانانه زنان کارگر و تمامی زنان آزادیخواه و برابری طلب در جهان، بخشی مهم از هویت و حفظ سنت های مبارزاتی این روز در برگزاری مراسم های علنی هشت مارس در سندهج بود. هشت مارس و مراسم هایش در هر سال محصول یک سال تلاش و ارتباط

اجتماعی متنوع و سازماندهی اعتراضات و دفاع از حقوق زنان و تبلیغ گسترده در میان آنها و جامعه بود. مراسم های هشت مارس و سخنرانی ها و بیانیه هایش تصمیمات و کیفرخواست مشترک این فعالیت ها و جنبش زنان بود.

هر چند دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی هیچگاه به برگزاری این مراسم های هشت مارس اجازه نمیدادند اما این مراسم ها در چندین سال با قدرت برگزار میشود و از صد ها تا چند هزار نفر در آنها شرکت میکنند. همین اندازه از توان و سازمان و نفوذ در میان مردم در شرایط خفقان جمهوری اسلامی نشان از توان و حقانیت فعالیتها، توده ای شدن آنها و رادیکال بودن مطالبات و سنت های مبارزاتی آنها بود. هر چند عمر این سازمان و فعالیت های رهبرانی همچون دیبا علیخانی به دلیل محدودیت و فشارهای امنیتی محدود و مسدود شد اما این فعالیت و سنت های ماندگاری که از جمله او از رهبرانش بود به عنوان بخش مهمی از فعالیت های سیاسی و اجتماعی جنبش زنان در این سالها تثبیت شده است.



جامعه نیازمند بازگشت به این سنت های مبارزه رادیکال در مقابله با جمهوری اسلامی است. جنبش زنان در ایران بشدت نیازمند نسل جوانی در میان خود است که از جمله تجارب رهبران کمونیست و سازمانده همچون دیبا علیخانی را جاری کنند. تردیدی در این نیست که در اختیار قرار دادن این تجارب در سطح عمومی از سوی دیبا علیخانی راهنمایی مهم برای فعالین و سازمانده هان رادیکال و کمونیست است. برخی از مهمترین فعالیت های شورانگیز دیبا علیخانی به مناسبت هشت مارس در این سالها عبارتند از:

سال ۱۳۷۵: سندهج، بهزیستی، یکی از سازمان دهنده گان و سخنران مراسم

سال ۱۳۷۶: فرهنگسرای سرو، یکی از سازمان دهندگان و سخنران با موضوع دفاع از زنان کارگر افغان و علیه اخراج آنها و نیز علیه سنگسار زنان

سال ۱۳۷۶: دانشگاه تهران، سخنرانی در باره قتل ناموسی و ازدواج کودکان

سال ۱۳۷۸: مراسم بهزیستی در دانشگاه تهران با موضوع متوقف کردن خشونت خانگی علیه زنان و قتل ناموسی و سنگسار زنان

سال ۱۳۷۹، مراسم کانون فرهنگی زنان، موضوع سخنرانی: تشریح بی حقوقی زنان کارگر قالیباف

سال ۱۳۸۰، سندهج سازمانده و سخنران لغو خشونت علیه زنان (قتل ناموسی)

سال ۱۳۸۱ سندهج، سازمانده و سخنران در باره قتل ناموسی و حجاب اجباری

سال ۱۳۸۲ از سازماندهان مراسم هشت مارس، سمینارهای بحث و سخنرانی در مورد مسایل و مطالبات زنان، در سندهج، مریوان، سقر بانه و قروه

سال ۱۳۸۳ سخنران و سازمانده مراسم هشت مارس در سندهج، و همچنین در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران همان سال موضوع بکارت و تابوهای آن در جامعه ی مردسالار

سال ۱۳۸۴ سخنرانی و سازماندهی هشت مارس در سندهج و بیجار

و دست آخر اینکه هشت مارس را مثل همیشه دو بار به دیبای عزیز تبریک میگویم یکی از آنها بخاطر جشن تولدش در این روز است.

## مطالبات جنبش زنان:

1. تبعیض علیه زنان در تمامی قوانین حقوقی سیاسی، اجتماعی، قضایی، شغلی و تحصیلی رفع شود و برابری کامل زن و مرد تضمین شود.
2. لغو همه قوانین، سنت و رسوماتی که موقعیت جنس دوم و شهروند درجه دو را بر زنان تحمیل می کند. هر گونه تعدی و سوء استفاده و بهره کشی جنسی از زنان تحت هر عنوان باید ممنوع شود.
3. ممنوعیت ورود زنان به استادیوم لغو شده و زنان بتوانند در تمامی رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند.
4. امنیت زنان در برابر هرگونه خشونت و تعرض و تجاوز در محیط های کار و خیابان و در چهارچوب خانواده، تضمین شود و علیه متعرضین به زنان در تمامی اشکال جسمی، روحی و کلامی اعلام جرم شود و قربانیان تجاوز و خشونت های خانگی و اجتماعی مورد حمایت های قانونی قرار گیرند.
5. خشونت علیه زنان از آزار و اذیت ها تا قتل های ناموسی جرم تلقی شده و مسببین آن تحت پیگرد قانونی قرار گیرد و ختنه زنان ممنوع شود.
6. حجاب اجباری لغو گردد و بی حرمتی و خشونت قانونی به زنان در خیابان تحت عناوین طرحهای عفاف و حجاب که دستمایه انواع خشونت به زنان می شود، متوقف شود و همه احکام زندان معترضان به حجاب اجباری و قوانین ضد زن فوراً و بی قید و شرط لغو گردد.
7. برای حفظ حرمت و شان انسانی زنان و جلوگیری از رشد روز افزون آمار زنانی که به واسطه فقر و نداشتن حمایت های اجتماعی به گرداب مافیای تن فروشی و قاچاق می افتند و به تمام زنان بیکار حقوق بیکاری پرداخت شود.
8. تبعیض و تفکیک جنسیتی در موقعیت های شغلی و تحصیلی لغو گردد و زنان از مزد برابر در ازای کار برابر با مردان برخوردار باشند و حداقل دستمزد مطابق با تورم افزایش یابد.
9. زنان باید از حق طلاق و حضانت فرزندان و سفر و اختیار شغل و باقی حقوق فردی برابر با مردان برخوردار باشند و ازدواج کودکان ممنوع اعلام شود.
10. زنان باید از هویت شهروندی برابر با مردان برخوردار باشند تا بتوانند برای فرزندان خود ثبت هویت کرده و شناسنامه دریافت کنند.
11. تمامی زنان فاقد بیمه های درمانی باید از درمان رایگان، از قبیل انواع واکسیناسیون همگانی، مطابق با استاندارد جهانی و بیمه کارآمد برخوردار باشند و بتوانند فرزندانشان را تحت پوشش بیمه خود قرار دهند.
12. خرید سسکس جرم تلقی شده و خریداران سسکس تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.
13. تمامی زنان معتاد و کارتن خواب مورد حمایت قانونی و رفاهی قرار گیرند.
14. به رسمیت شناختن حق تشکل یابی و توقف سرکوب فعالین زنان و لغو احکام صادره علیه فعالین
15. هشت مارس به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود.

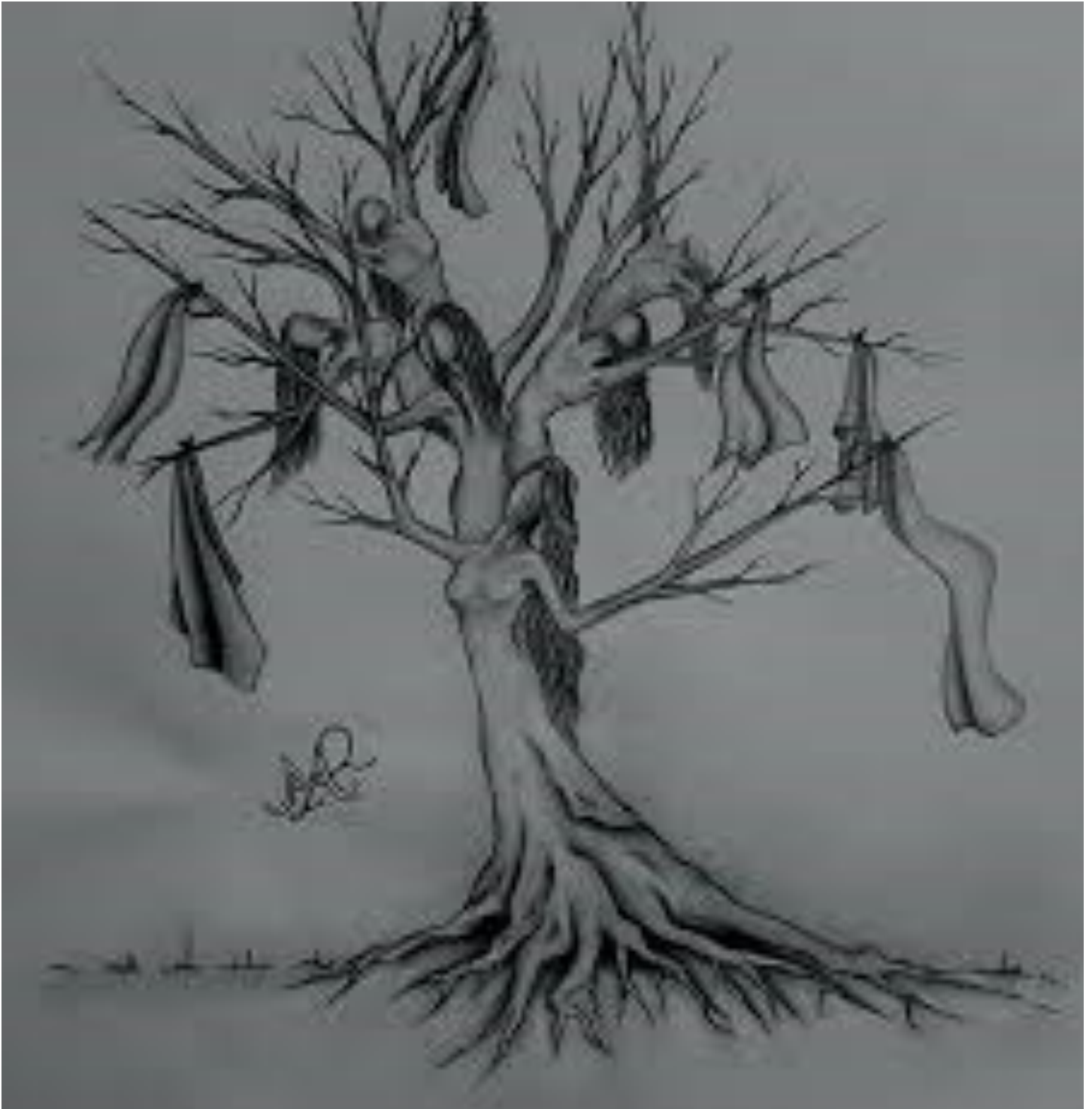


@nedayezananeiran

[#۸ مارس روز زن](#)

دستمران خیابان انقلاب

نقاشی از: مریم رضانی کیوی Maryam Ramzanigivi





به مناسبت ۸ مارس  
فریبا رشیدی



تقدیم به دختران و زنانی که قربانی قتل ناموسی شدند. یادشان گرامی باد. تقدیم به زنان سرزمین از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب که قربانی قتل ناموسی شدند. به زنانی که شکنجه و زندان خانگی شدن، زنانی که به دست پدر و برادر و شوهر با ضربات چاقو و یا شلیک گلوله و یا سوزاندن جثه زیبایشان قربانی آئین سنت و عقب ماندگی و عقاید کهنه پرستی و مرد سالاری شدند الان در میان ما نیستند.

دوباره مطلب را با قتل ناموسی ادامه میدهم، سنتی سیاه که مرز نمیشناسد. جنایات ناموسی یا قتل ناموسی به ارتکاب خشونت و اغلب قتل زنان یک خانواده به دست مردان خویشاوند خود گفته می‌شود. این زنان به علت «ننگین کردن شرافت خانواده خود» مجازات می‌شوند. این ننگ موارد گوناگونی را شامل می‌شود، از جمله خودداری از ازدواج اجباری، قربانی یک تجاوز جنسی بودن، طلاق گرفتن (حتی از یک شوهر ناشایست)، رابطه با جنس مخالف، یا ارتکاب زنا. برای اینکه فردی قربانی جنایات ناموسی شود، فقط اینکه گمان برده شود او آبروی خانواده را بر باد داده است کافیست. این سوءظن‌ها معمولاً بر احساسات و ادراک مردان استوار هستند تا بر حقیقت عینی.

قتل ناموسی در اکثر شهرهای هم رایج است. حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌ها و ۵۰ درصد از قتل‌های خانوادگی در کشور به مسائل جنسی و ناموسی مربوط می‌شوند. به عقیده برخی از فعالان حقوق زنان، این «مشکل جدی و هنوز مهارنشده» ریشه در

قوانین مردسالارانه ایران دارد. بر اساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی «هرگاه مردی زنش را با مرد دیگری در بستر ببیند و علم به عدم مخالفت زن داشته باشد، می‌تواند هر دو را بکشد»، و ماده ۳۰۱ آن قانون هم تصریح کرده که «پدر و جد پدری به خاطر کشتن فرزند قصاص نمی‌شوند»

**فاجعه ای چون قتل رومینا که ۱۳ سال داشت و توسط پدر با داس سربریده شد**  
قتل دختری به اسم سمیه ۱۸ ساله در کرمانشاه که به دست برادر، پدر و دیگر اعضای خانواده به قتل رسید.  
ریحانه عامری ۲۲ ساله، در کرمان به دست پدرش کشته شد. اینها تنها سه مورد از قتل‌هایی هستند در میان هزاران زن که قربانی شده اند.

همانطور که میدانیم مقام‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی آمار دقیقی از قتل‌های ناموسی را به طور رسمی اعلام نم‌کنند، بلکه آنها را عنوان‌های دیگری اعلام میکنند و هیچ وقت آمار دقیقی در دسترس نیست. اسلام شریعت و سایه ی سیاه ترسناکیست که زندگی زنان را مختل کرده و جای امنی ندارند، نه خانه پدری، نه خانه شوهری، نه محل کاری، و حتی کوچه و برزنی، در هر جا از خود دفاع کردیم، یا کشته شدیم یا

محکوم شدیم. بله این قانون اسلامی است که از این جنایات حمایت میکند و خود عامل اصلی است، و تا سایه اسلام در جامعه باشد همین است. ما هم دست از مبارزه بر نمیداریم تا به رهایی نرسیم و آزادی را به جامعه برگردانیم. تنها راه این است چون رژیم اسلامی از جنبش زنان می‌هراسد. به همین دلیل است که زنان را در درجه اول قرار داده و برای سرکوب کردنشان هیچ ابایی ندارد.

پوشش اسلامی، و این رکن اصلی اسلام است، پس آن روز فرا میرسد و زن و مرد یکصدا فریاد آزادی بر می‌نهند. همان روز یادمان هست که ۸ مارس را تبدیل به روز اسلامی کردن و روز تولد دختر پیامبر اسلام را روز زن اعلام کردن. و از آن زور به بعد روز سیاهی برای زنان شد با چادر و حجاب سیاه زندگی را سیاه کردند. پس دیری نمی‌گذرد که پایان حکومتان باشد، در ۳ سال گذشته جنبش زنان نشان داد که هنوز برای آزادی می‌کوشند و چادر و روسری خود را به نشانه اعتراض برداشتند و مرگ بر دیکتاتور سر زدند.

زنان خیابان انقلاب زنان آزاده ای هستند که باید آنها را ستایش کرد.

رهايي زن يعني رهايي جامعه.  
مبارک باد ۸ مارس روز جهانی زن.

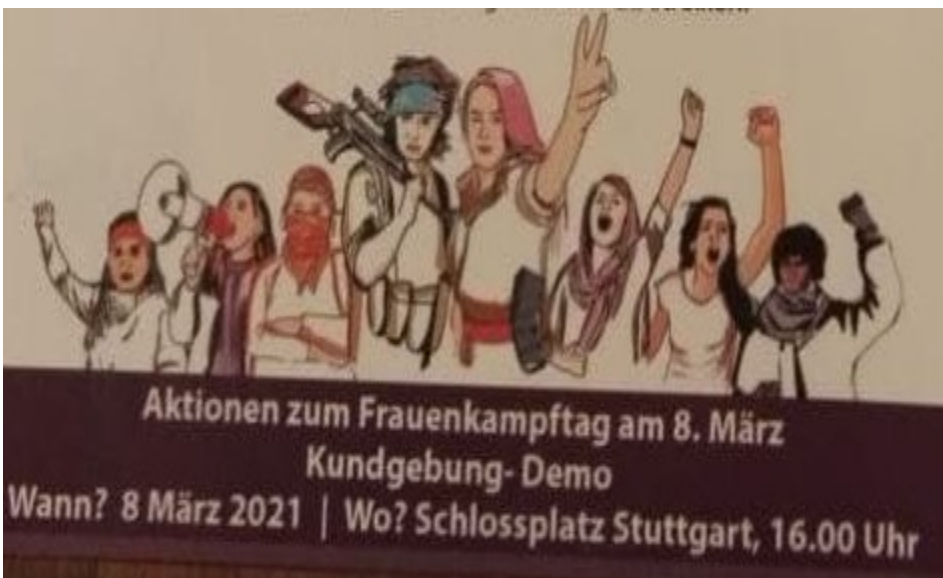
### 8 مارس روز جهانی زن مبارک

برگزاری آکسیون به مناسبت 8 مارس در شهر اشتوتگارت آلمان

روز: دوشنبه 8 مارس

ساعت: 16

مکان: Schlossplatz Stuttgart



**و باز اعدامی دیگر  
سحر باباسلجی**



اخیرا، همانطور که در رسانه ها مطلع شده اید، بار دیگر رژیم خونخوار جمهوری اسلامی زهرا اسماعیلی زن ۴۲ ساله ای در ایران به چوبه دار سپرد. ایشان به جرم قتل نکرده مجرم شناخته شد و در بیدادگاه رژیم

جنایتکار اعدام شد. وحالا اعدام زهرا اسماعیلی نیز اینچنین برگ سیاه دیگری بر کارنامه ننگین جمهوری اسلامی افزوده کرد افسوس و صد افسوس که این رژیم خونخوار طی ۴۲ سال حکومت خود با اعدام ها و کشتار های پی در پی سعی در سر پا نگهداشتن پایه های متزلزل این حکومت پلید خود نموده است با توجه به گرانی ها و تورم سر سام آور قیمتها اعم از مواد غذایی و غیره قشر عظیمی از مردم مظلوم و ستمدیده ایران بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته اند ولی در عوض رد پای این رژیم جنایتکار در اکثر کشورهای عربی اعم از لبنان و دیگر کشورهای خاورمیانه. برای تروریست پروری راه را برای حفظ حکومت خود کرده اند و ماشین کشتار، شکنجه و اعدام نیز بیش از پیش زندگی مردم مظلوم و ستمدیده را تحت شعاع قرار داده است.

در پایان این حکومت اعدام هر چه زودتر باید پایه های متزلزلش را به زیر کشید. به امید آن روز که مردم به به ازادای و حق طلبی خود دست پیدا کنند.

اکثر کشورهای اسلامی مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. شماری از این کشورها حتی رفتارهای همجنسگرایانه را جرم دانسته و عاملان آن را مجازات و حتی اعدام می کنند. این در شرایطی است که گرایش جنسی افراد انتخابی نیست و در وجودشان است. شرایط سخت اجتماعی و قانونی در ایران باعث شده همجنسگرایان اغلب نتوانند گرایش جنسی خود را بیان کنند و این باعث بسیاری از افسردگی ها، تجاوز ها، اعدام و خودکشی می شود. این در حالی است که اگر همجنسگرایی بصورت امری عادی پذیرفته شود ما جامعه سالمتری از نظر روحی و روانی خواهیم داشت.

پس تمامی افراد یک جامعه در این مورد نقش دارند، گاهی افرادی که خود را روشنفکر هم می دانند با ناسزا، نگاههای خاص، سوالات خصوصی باعث ایجاد شرایط سخت تری در زندگی همجنس گرایان می شوند. به امید روزی که همه همدلی بیشتری با همجنس گرایان داشته باشند و از آنان که از اقلیت بی گناه جامعه هستند در برابر قوانین سخت گیرانه و ظلمی که به همجنسگرایان می شود پشتیبانی کنند. /

دارد که از منحصرا دگرجنسگرا (گرایش به جنس مخالف) شروع می شود تا به منحصرا همجنسگرا (گرایش به جنس موافق) می رسد که در میان این گستره دوجنسگرایی (گرایش به هر دو جنس) نیز دیده می شود. دگرجنسگرایان می توانند احساسات عاطفی، رومانیتیک و جنسی نسبت به هر دو جنس (مخالف و موافق) را تجربه کنند. افراد همجنسگرا که به جنس موافق خود گرایش دارند اغلب گی خوانده می شوند (لفظی که برای مردان دگر جنسگرا مورد استفاده قرار می گیرد) و زنان همجنسگرا می توانند با لفظ لزبین (منحصر به زنان همجنسگرا) نیز خوانده شوند.

گرایش جنسی با رفتار جنسی فرق دارد زیرا که آن به احساسات و خود شناسی فرد بستگی دارد. افراد همیشه گرایش جنسی خود را در رفتار هایشان بروز نمی دهند (پس به طور قطع با در نظر گرفتن رفتار یک شخص نمی توان 100 درصد نمی توان مطمئن بود که گرایش جنسی او چیست.

پدیده همجنسگرایی آهسته آهسته دارد در شمار زیادی از کشورهای غربی به یک امر عادی تبدیل می شود. اما همجنسگرایان در

**گرایش جنسی چیست؟  
شیوا مقدم**



گرایش جنسی یک حس عاطفی، رومانیتیک و جنسی نسبت به یک فرد دیگر است. گرایش جنسی به آسانی بر اساس سکس بیولوژیکی فرد، هویت جنسی (حس روانی که مشخص می کند که مرد یا زن هستید) و نقش جنسی اجتماعی (وابسته به نرم های فرهنگی برای رفتارهای زنانه و مردانه) تشخیص داده میشود.

گرایش جنسی به صورت یک گستره وجود

مطالبات 8 مارس محور اصلی جنبش رهایی زن.....ادامه صفحه ی 4

علیه زنان از فرانسه ، آلمان تا عراق و لبنان و ایران و افغانستان بر زنان وجود دارد ولی ما شاهد جنبش ها و صف آرای های زنان علیه تبعیض ها و نابرابری ها و خشونت ها هستیم که این بر خلاف تصویری که حکام دوست دارد به دروغ آن را به خورد جوامع امروزی بدهند هست.

اشاره کردم که مثلا در ایران یک روز را بنام زن البته بیشتر بنام مادر که با تولد فاطمه یکی هست نام گذاری کردن، این روز بر اساس سنت اسلامی یعنی، روز یادمان اطاعت پذیری تام و کمال زن از شوهر یعنی بزرگداشت زنی که حتی بدون اجازه شوهر حق کار یا سفر یا ملاقات، حتی انتخاب رنگ لباس و پوشش، اظهار نظر و هیچ چیز رو ندارند.

همین چند روز پیش بود که خانم سمیرا زرگری که سرمربی تیم اسکی الیابین زنان بود شوهرش اون رو ممنوع الخروج کرد و تیم اسکی زنان بدون سرمربی ش به ایتالیا برای مسابقات اعزام شدند. صد البته که این حق تعرض زن را مردها از بدو تولد با خودش نیاوردند، بلکه میراث یک سنت ارتجاعی است که حاکمیت یک جامعه آن را تولید و مورد حمایت قرار داد که برای زن پیشیزی ارزش قائل نیست. اجازه هزاران مدل از تعرض به جایگاه و شأن زنان را حکام و دولتها صادر میکنند و دست سنت مردسالاری را باز گذاشته تا هر وقت بخواهند از این اهرم فشار علیه زنان استفاده کنند.

در کل هیچ قدرتی نمی تواند تاریخ مبارزات زنانی چون کلارا زتکین ها و روزالوگزامبورگ ها رو حذف و از تاریخ پاک کند و نسخه جایگزین با همان قدمت تاریخی مبارزات زنان درست کند. هر انسان شرافتمندی اگر به دستاوردهایی مبارزات جنبش رهایی زن نگاه کند، از حق رای تا حق رانندگی، حق تحصیل، مرخصی زایمان و رانندگی کردن و ... (که گفتم این موارد و احقاق این حقوق در کشورهای مختلف همین امروز دنیا نیز از هم متفاوت هست) متوجه هست که این دستاوردها نتیجه ی تلاش و مبارزات زنان و مردان آزادی خواهی هست که به برابری و آزادی زنان باور داشتند و دارند و برای رسیدن به این حداقل ها که ظاهرا خیلی بدیهی و حقوق طبیعی به نظر می یاد تلاش و مبارزه شبانه روزی کردند و میکنند و برای احقاق هر ذره از این حقوق، فعالین حقوق زنان تاریخاً تاوان دادند ، شکنجه و اعدام شدند و مبارزان، این جنبش را ادامه میدهند.

**مینو همتی:** ناگفته نماند که بر سر راه هر جنبشی از جمله جنبش زنان، مسیرهای انحرافی سبز میشود تا مطالبات و اهداف آنرا رقیق و بی خاصیت کند. بنظر شما این چالش در ایران چگونه و از جانب کدام جریانات متبلور شده است؟

**شراره رضائی:** بله دقیقا همانطور که شما می گوید این تلاش ها برای به انحراف کشیدن جنبش های زنان همانطور که تا حدی در پاسخ به سوال قبلی تون گفتم هم از طرف حاکمیت روش سرمایه گذاری می شد تا به انحراف بکشاند و هم از سوی بعضی از گروه ها و چهره هایی که خودشون را متاسفانه ، مدافعان حقوق زنان معرفی کردند. اگر بخواهم بطور مشخص بگم کمپین یک میلیون امضا اولین ضربه رو با متوصل شدن به این آخوند و آن آخوند به مبارزه جنبش واقعی آزادی خواهی و برابری طلبی زنان زد و بعدترها این گروه با ائتلاف با زنان مجلسی و امثال خانم اشرفی نوه خمینی و فائزه رفسنجانی و ... با شعار و بهانه ی حضور 50 درصدی زنان در مجلس برای جمهوری اسلامی رای خریدند. امثال شیرین عبادی، که تلاش می کند اسلام را خوش خیم و مدرن نشان بدهند و تمام این مشکلات را تنها به گردن جنسیت مردان و مردان حاکمیت جمهوری اسلامی بگذارد، از شمشیرزنان اصلی عرصه سنگ اندازی، بر سر راه جنبش رهایی و برابری زنان در ایران هستند.

ولی خوشبختانه امروز دیگه کسی برای این چهره ها ارزشی قائل نیستند و حتی برای خود حاکمیت هم مهره های سوخته ی محسوب می شوند.

**مینو همتی:** در سالهای ماقبل شیوع کرونا، ما شاهد تجمعات و مراسم بزرگداشت هشت مارس و بازگو کردن مطالبات جنبش رهایی زن در سالنهای در بسته بودیم. آیا فعالین زنان توانسته اند در فضای مجازی آن سنت را تداوم بخشند؟

**شراره رضائی:** بله همانطور که خودتان گفتید در قبل از شیوع کرونا، 8 مارس های بسیار خوبی توسط فعالین و چهره هایی شناخته شده از جمله فعالین "ندای زنان" در تهران و در رشت برگزار می شد که در این روز بزرگداشت 8 مارس، سخنرانی های که مطالبات و خواست فوری زنان بود و با بیانه ها و مطالباتی به شدت رادیکال برگزار می شد. "

متاسفانه دوران کرونا، موهبتی برای حکام دنیا در برابر اعتراضات موجود نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا بود. این شرایط، فعالیت و تظاهرات و اعتراضات را حتی در خارج از کشور بسیار سخت کرده چه برسد به ایران که در دنیای قبل از کرونا هم فعالین حقوق زنان با مشکلات و موانع زیادی برای برگزاری این مراسم روبرو بودند.

البته هنوز تا مراسم 8 مارس فرصت هست و باید دید که چطور می توان از این فضا و یا از دنیای مجازی استفاده کرد ولی آنچه که مسلم هست اینکه تاریخ مبارزات زنان در ایران نشان داد که زنان به هر شکل و هر طریقی و در هر شرایطی چه در سالن چه در کف خیابان ها به نام دختران خیابان انقلاب یا به هر طریقی دیگر مبارزه را ادامه خواهند داد و هرگز این صدا خاموش نخواهد شد.

**مینو همتی:** جنبش رهایی زن دوشادوش جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و معلمان، پرستاران و تمامی اقشار زحمتکش در سنگر مبارزه برای احقاق حقوق پامال شده توسط استثمارگران اسلام پناه، گام برمیدارد. در این هشت مارس بنظر شما مهمترین و فوریتزین مطالبات کدامند.

**شراره رضائی:** مطالبات زنان از مطالبات طبقاتی جدا نیست. خواست و مطالبات کارگری هم نمی تواند به طور واقعی به ثمر برسد مگر با همراه کردن و آزادی و برابری کامل زن و مرد در تمام عرصه ها. ما همین امروز شاهد هستیم که جنبش رهایی زن، دوشادوش جنبش های کارگری و اعتراضات دانشجویی و در کل در تمامی عرصه ها پیش می روند.

مطالبات تمامی این فعالین و مبارزین منطبق با منفعت طبقاتی شان هست. امروز ما شاهد وضعیت جامعه ایران هستیم و شاهد اعتراضات وسیع و سراسری از دیماه و آبان ماه تا اعتراضات عظیم کارگری مثل هفت تپه و پتروشیمی ها بودیم و همچنان این اعتراضات ادامه دارد. اگر به مطالبات جنبش اعتراضی ایران توجه کنید اتفاقا خواست و مطالبات بخش وسیعی از این جنبش اعتراضی نزدیک به هم یا مثل هم هستند، چون از دل جدال طبقات متضاد و متفاوت با، منفعت طبقاتی متفاوت نشأت می گیرد. و جنبش زنان هم از این قاعده نه تنها مستثنی نیست. بلکه همراه و پایه اصلی این اعتراضات و مطالبات است. جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی امروز زنان که منظورم از نکته تاکید گذاشتن بر جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی زنان، این



است که همونطور که قبلاً اشاره کردم ما جنبشهای متفاوتی در عرصه مبارزه زنان داریم مهم این است که کدام جنبش با کدام خصلت مبارزاتی و منفعتی مد نظر قرار می گیرد. جنبش رهایی و برابری زنان یا جنبش به انحراف کشیدن مطالبات و خواست زنان در زیر ماسک و نقاب مدافعین حقوق زنان و مطالبه مجلس نشینی زنان؟! اما به بحث برگردم گفتم که جنبش رهایی زن امروز همخط با دیگر مبارزات و اعتراضات کارگری و دانشجویی در میدان هست. خواست و مطالبه این جنبش بدون سرسوزنی اغماض اینکه، سایه ی بند و بساط و دکان مذهب از سر زنان برداشته بشود. مطالبات امروز زنان و آزادی خواهان، داشتن یک زندگی با استاندارد و رفاهیات منطبق با دنیای امروز هست. مطالبه تامین امنیت جانی و روانی از گزند مرتجعین و متوحشین اسلاميون. مطالبه داشتن سطح معیشت انسانی، مطالبه آزادی در خانواده و اجتماع، خواست برابری در عرصه اجتماعی و کار و تولید و دستمزد و امکان شغلی، خواست به رسمیت شناختن مثل یک شهروند درجه اول مثل مابقی شهروندان چه به لحاظ حقوقی و چه به لحاظ حقیقی با بالاترین استانداردهای دنیای متمدن و پیشرفته انسانی را دارند نه استاندارد حقوقی جامعه عصر حجر. تامین نیازهای پایه ای، بهداشت و درمان و سلامتی و حمایت های مختص به زنان از مطالبات بوده و خواهد بود. به هر حال من به عنوان یکی از مبارزین این عرصه از گذشته و تا به امروز، این مبارزه را همگام و متحد با فعالین و مبارزان واقعی این جنبش پیش خواهیم برد.

باید با این جنبش همراه و همگام شد. اتفاقاً یکی از پاشنه آشیل های حاکمیت قرون وسطائی و مذهبی جنبش رهایی زن هست. در هشت مارس امسال بنا بر اوضاع کرونائی باید سازماندهی بشود. باید به هر طریق که امکانش هست، همراه و همصدای این جنبش شد و به سردمداران ضد زن نشان داد که این جنبش با قدرت در جریان هست و تا به زیر کشیدن حاکمیت نکبتبارشان، مبارزه ادامه خواهد داشت.

**مینو همتی:** شراره رضائی عزیز با سپاس از اینکه در این برنامه شرکت کردی و نظراتت را با بینندگان ما سهیم شدی.

### کودکان کار پرنسس های یک روزه نیستند

برگزاری نمایشگاه عکسی با نام «پرنسس های کوره» «فعلاً لغو شد». نمایشگاهی که قرار بود در آن عکس دختر بچه های کارگر با لباس پرنسس بر دیوارها قرار بگیرد و خود دختر بچه ها با آن لباس ها در افتتاحیه نمایشگاه حاضر شوند. ما به عنوان مجامعه ای مخالف کار کودک با این نمایشگاه و هر کار مشابهی به شدت مخالفیم. چون:

♦ دادن یک دست لباس قشنگ، یا یک روز غذای شاهانه در رستوران و... نه تنها دردی از این کودکان دوا نمی کند که اثرات نامطلوبی روی روحیهی آنها می گذارد. اگر کسی واقعا قصد کمک به تغییر وضعیت این کودکان را داشته باشد می تواند این کار را با کمک به رفع فقر و اشتغال بزرگسالان خانواده های این کودکان انجام دهد نه کارهای نمایشی این چنینی.

♦ بازنمایی آرزوهای کودکان دختر کارگر در قالب پرنسس مثل کشیدن پرده ای بر روی شرایط غیرقابل قبول زندگی این کودکان است. در واقع تبدیل این کودکان به ابزارهایی برای جلب توجه و ترحم است بدون اینکه به دلایل، ریشه ها و اثرات کار کودکان توجه شود. ابزاری برای ایجاد رضایت و لذت در کسانی که به دیدن و خرید عکس ها بیایند، دستی بر سر بچه ها بکشند و چهار روز دیگر همه این ماجراها را به دست فراموشی بسپارند. در حالی که دختر بچه های درگیر در این ماجرا آن را فراموش نخواهند کرد.

♦ هرگونه مداخله در زندگی کودکان باید همه جانبه نگرانه، تخصصی و با در نظر گرفتن مصالح عالیّه آنان باشد. انتشار عکس این دختر بچه ها و از بین بردن عزت نفس خود و خانواده هایشان بی شک عملکرد معکوس دارد. بازنمایی کلیشه های جنسیتی و طبقاتی به عنوان ابزاری برای جلب ترحم به کار می روند تا ما از خودمان نپرسیم چرا دختر بچه ای باید کار کند و این دختر واقعا چه می خواهد؟

کار کودک نتیجه نابرابری های عظیم ساختاری است و این چیزی است که باید از بین برود، نه تصویر کار کردن کودکان. / دستاوست.

### کودکان کار پرنسس های یک روزه نیستند



[#کار کودک ممنوع](#)

[#سو استفاده از کودکان ممنوع](#)

رد درخواست اعاده دادرسی آتنا دائمی در دیوان عالی کشور



خبرگزاری هرانا - دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی وکلای آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین را رد کرد. خانم دائمی تیرماه امسال از بابت این پرونده که در دوران حبس علیه او گشوده شده توسط دادگاه انقلاب تهران به ۲ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. این فعال مدنی در حالی که از سال ۹۵ دوران محکومیت ۵ ساله خود را در زندان اوین طی می‌کرد تیرماه سال گذشته نیز در پرونده‌ای دیگر به ۳ سال و ۷ ماه حبس تعزیری که ۲۵ ماه از آن قابل اجراست و اکنون مشغول تحمل آن است، محکوم شد.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی وکلای آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین را رد کرد.

بر اساس این رای که طی روزهای اخیر صادر و به وکیل مدافع وی ابلاغ شده است، دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی وکلای آتنا دائمی را در خصوص پرونده‌ای که در آن به ۲ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود رد کرده است.

\*\*\*

رئیس پژوهشکده زن و خانواده: اگر زن اقتدار مرد را بپذیرد خشونت علیه زنان پیش نمی‌آید

حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد: اگر در مکانیزم تربیتی زن را آماده کنیم که اقتدار مرد را بپذیرد این اتفاقات پیش نمی‌آید و به نظر من خشونت‌ها غالباً از عدم کرامت نفس فرد ایجاد می‌شود و باید سیستم تربیتی به سمتی برود که کرامت نفس ایجاد کند.



زیبایی‌نژاد در مورد لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت بیان کرد: در لایحه دولت به این توجه نشده است که آیا زن در خشونت‌دیدگی خودش می‌تواند مقصر باشد یا خیر؟ یا عاملش صرفاً بدخلقی مرد است؟

\*\*\*

شراره رضانی: جوابی کوتاه بر ارجیف حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد: دقیقاً، اقتدار در هذیان گویی ایشان را اینگونه باید خواند که اگر: زنان قلدری، وحشی‌گری، زورگویی، تعرض و تجاوز فرمانروایشان را بپذیرند و

بدون هیچ قید و شرطی گردن به بردگی و بندگی و اطاعت نهند مشکل این آلودگان به اصطلاح "رئیس پژوهشگر زن و خانواده!! حل می‌شود و آنها هم مجبور نمی‌شوند آن روی حیوانی و درنده خوبی شان را نشان دهند و خشونت بر زنان اینگونه ریشه کن می‌شود.

اما این رجز خوانان حاکمیت احتمالاً در حال سپری کردن خواب‌شان در غار کهف هستند و هنوز ندیدن و یا نمی‌خواهند ببینند که فرمول زنان برای ریشه کن کردن خشونت و زالوصفتان از زندگی‌شان چیست؟ در آستانه ی ۸ مارس، روزی که زنان برای ذره ذره دستاوردها و مطالبات‌شان جنگیده و خواهند جنگید و پی شلاق و زندان و شکنجه و اعدام را در این راه به جان خریدند.

این مردک تراوشات گندیده ذهنی اش و متد عصر حجری و عقب مانده اش را می‌خواهد به خورد جامعه‌ای بدهد که توصیه پذیرش بردگی زنان برای در امان ماندن پدید می‌آید منقضی و به تاریخ سپرده شده‌ی ست، ایشان بهتر است برای در امان ماندن از تعرض همه جانبه جنبش زنان و جنبش آزادیخواهی و برابری‌طلبی به فکر چاره‌ای برای خود باشد.

باید به این مردک گفت، شما حتی با تیغ و اسید بر روی صورت زنان نتوانستید زنان را به حاشیه ببرید و آنها را خانه نشین و مطیع کنید. زنان امروز جامعه ایران، جوابشان به این زباله‌های تاریخ روشن بوده و هست و آن هم از بیخ و بن ریشه‌های عقب‌ماندگی و ارتجاع را از زندگی بشریت بخشکانند و برچینند.

و دنیای امن و آزاد و برابر برای تمام انسان بنا نهند.



برای داشتن یک زندگی درخور انسان،  
هفت درس پرجم اتحاد همه کسانیست  
که برابری را حق خود می‌دانند  
و برای داشتن یک زندگی انسانی  
فریاد می‌زنند

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

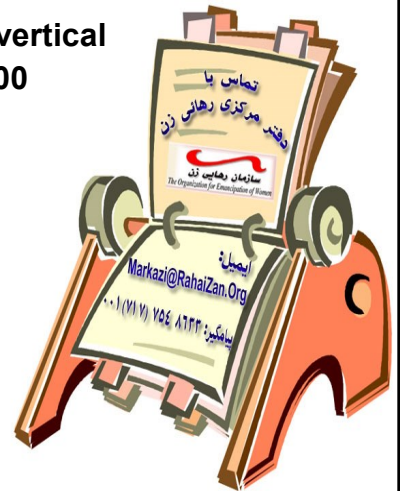
@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [shararehzaei.p@gmail.com](mailto:shararehzaei.p@gmail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)